

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Inheritance of Children Born from Artificial Pregnancies

ارث فرزندان ناشی از بارداری های مصنوعی

1. Akram Mosadeghi Khalilabad: PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
2. Akbar Fallah *: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran (Email: akbar.fallah4040@gmail.com)
3. Ali Faghihi: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

۱. اکرم مصدقی خلیل آباد: دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۲. اکبر فلاحی*: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران.
(پست الکترونیک: akbar.fallah4040@gmail.com)
۳. علی فقیهی: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

Abstract

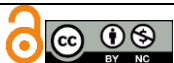
Procreation is one of the most significant responsibilities that God has assigned to spouses. Men and women enter into marriage with the goal of having children. However, in certain circumstances, couples may be unable to conceive naturally. In recent years, scientific methods of artificial insemination have provided them with the possibility of having children through various artificial and laboratory techniques. One of the most important legal consequences of lineage is inheritance, which applies to all individuals. Throughout life, every person may either inherit from others or transfer their own estate to their heirs after death. Different countries adopt varying foundations for inheritance, such as biological or legal lineage. Given the challenges that have arisen regarding lineage in modern pregnancies, inheritance has also faced various complications. Who is entitled to inherit in cases of artificial insemination? What is the inheritance status of the genetic contributors? How can legal parents inherit or transfer their estate? These are critical issues that must be analyzed and discussed in this article. Therefore, the present study examines inheritance resulting from artificial pregnancies.

Keywords: inheritance, artificial pregnancy, lineage.

چکیده

فرزندآوری یکی از مهم ترین وظایفی است که خداوند برای همسران در نظر گرفته است. زن و مرد با هدف دارا شدن فرزند، زندگی مشترک باهم را آغاز می نمایند؛ اما ممکن است در برخی از شرایط، زوجین از طریق تلقیح طبیعی قادر به فرزندآوری نباشند که در سال های اخیر با استفاده از شیوه های علمی تلقیح مصنوعی با روش های مختلفی به صورت مصنوعی و آزمایشگاهی امکان فرزندآوری به آنها را اعطا شده است. یکی از مهم ترین آثار ناشی از نسب ارث است که برای تمامی افراد پیش می آید. تمامی افراد در طول زندگی ممکن است که صاحب ارث شوند یا دارای خود بعد از مرگ را به بازماندگان خود منتقل کنند. کشورهای مختلف برای ارث مبنای مختلفی از جمله نسب بیولوژیک یا حکمی در نظر گرفته است. در بارداری های نوین از آنجایی که در خصوص نسب چالش های مختلفی پیش آمده است. ارث نیز با مشکلات مختلفی مواجه است. چه کسانی در این نوع تلقیح ارث می برند؟ صاحبان نطفه در ارث بری چه جایگاهی دارند؟ والدین حکمی چگونه می توانند ارث ببرند یا ارث خود را منتقل نمایند؟ مسائل مهمی است که باید در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گیرد. فلذا پژوهش حاضر به بررسی ارث ناشی از بارداری های مصنوعی می پردازد.

کلیدواژگان: ارث، بارداری مصنوعی، نسب.



How to cite: Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Inheritance of Children Born from Artificial Pregnancies. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(2), 76-90.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2023-11-28

Revise Date: 2024-01-23

Accept Date: 2024-02-09

Publish Date: 2024-02-20

شیوه استناددهی: مصدقی خلیل آباد، فلاحی، ا.، فقیهی، ع. (۱۴۰۲). ارث فرزندان ناشی از بارداری های مصنوعی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۲)، ۷۶-۹۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

مقدمه

بدون تردید مبحث ارث یکی از عمده‌ترین و باسابقه‌ترین بخش‌های هر نظام حقوقی است که در طول تاریخ بشر در روابط اجتماعی انسان‌ها مورد توجه بوده است. از زمانی که مالکیت به عنوان یک تأسیس حقوقی به رسمیت شناخته شده، مسئله میراث نیز به تبع آن مطرح گردیده است. با پیشرفت دانش پزشکی و امکان درمان ناباروری از طریق پزشکی، مسائل متعدد و پیچیده‌ای در حوزه‌های اخلاقی، حقوقی، بهداشتی، اجتماعی، روان‌شناختی، دینی مطرح شده که باید از طرف پیشوایان دینی از یک سو و حقوقدانان و متخصصان علوم اجتماعی و تربیتی از سوی دیگر به آن‌ها پاسخ مناسب داده شود تا زمینه‌ی مناسب جهت وضع و تدوین قوانینی جامع و راهگشا فراهم شود. از جمله مسائل مهمی که در ارتباط با این موضوع در قلمرو مسائل حقوقی مطرح است، وضعیت ارث ناشی از شیوه‌های باروری نوین مانند (اهدای اسپرم، اهدای تخمک و اهدای جنین) متولد می‌شوند، است. ارث‌بری نیاز به شرایطی دارد که برای تحقق ارث وجود این شرایط لازم و ضروری است اما صرف وجود آن‌ها موجب تحقق ارث نمی‌شود این گونه باید توضیح داد که همین که رابطه نسبی میان فرزند و والد وجود داشته باشد فرد صاحب ارث نمی‌شود یا اینکه برای ارث‌بری وارث باید حین الفوت زنده باشد اما میان این شرط و تحقق ارث ملازمه‌ای وجود ندارد زیرا ممکن است به دلایلی از جمله موانع ارث وارث به ترکه دست نیابد. در پژوهش پیش رو که به شیوه توصیفی-تحلیلی که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، ارث در بارداری‌های نوین بررسی می‌شود.

۱- موجبات ارث

۱-۱. مرگ مورث

شرط نخست یا رکن اول برای تحقق ارث مرگ مورث می‌باشد مادامی که انسان زنده است بر اموال خود تسلط دارد و شخصیت او بر تمامی دارایی حاکم می‌باشد زمانی که فرد از دنیا می‌رود این تسلط به بازماندگان می‌رسد (Jafari Langroudi, 2014). یعنی اگر کسی نباشد که زنده‌ها از او ارث ببرند، ارث در خارج مصداق

پیدا نخواهد کرد. وارث «ارث‌بر». موروث (ترکه) به آن میراث نیز گفته می‌شود و عبارت است از هر چیزی که از میت باقی می‌ماند: از قبیل اموال و حقوق مالی و غیرمالی که قابل انتقال باشد. بنابراین اگر یکی از ارگان سه‌گانه فوق نباشد ارث در خارج مصداق پیدا نخواهد کرد (Qiblaei Khoei, 2002). لازم است که ابتدا برای بررسی ارث به وجود مورث پی برد این شرط بدیهی اما بسیاری مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد در فرضی که زن و شوهر اقدام به تلقیح مصنوعی از نوع همگون می‌نمایند و بعد از مدتی شوهر ناپدید می‌شود آیا می‌توان جنین را مستحق ارث دانست؟

اگر فرزند بعد از انعقاد نطفه زنده متولد شود از پدر ارث می‌برد می‌توان در شرایطی که برای مدتی زوج مفقود است حکم فوت فرضی گرفت و ارث او را تقسیم نمود و می‌توان اموال را میان وراثت تقسیم نمود (Emami, 2022).

۲-۱. وجود رابطه نسبی یا سببی

طبق ماده (۸۶۱) قانون مدنی ارث در صورتی ممکن است که میان مورث و وارث رابطه نسبی یا سببی وجود داشته باشد رابطه‌ای که در اثر خویشاوندی یا ازدواج به وجود می‌آید موجب برای ارث است (Shahidi, 2022). در حقوق اسلامی در صورتی بین دو نفر توارث برقرار می‌شود که بین آن‌ها رابطه نسبی یا سببی برقرار باشد که اصطلاحاً موجبات ارث نامیده می‌شود. یعنی بین مورث (ارث‌گذار) و وارث (ارث‌بر) ارتباط خویشاوندی و یا رابطه زوجیت برقرار می‌باشد (Qiblaei Khoei, 2002). به حکم ماده‌ی ۱۰۳۳ ق.م هر کس با یک نفر خویشاوندی نسبی داشته باشد، با زوج یا زوجه‌ی آن شخص نیز خویشاوندی سببی خواهد داشت. در قرابت سببی، وراثت، تنها میان زن و شوهر است و به سایر خویشان سببی مانند پدر و مادر همسر، سرایت نمی‌کند به همین جهت است که قانون‌گذار در ماده ۸۶۴ ق.م، تنها از میراث زوج و زوجه صحبت کرده است (Katouzian, 2010, 2019). آنچه در ارث‌بری اهمیت دارد آن است که مادامی طبقه بالاتر است طبقه مادون ارث نمی‌برد (Najafi, 1995). عامل مهمی که در تحقق ارث باید

مورد بررسی قرار گیرد پاسخ دادن به این پرسش است که آیا میان مورث و ورثه ارتباط وجود دارد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت بود باید به بررسی نوع ارتباط و درجه آن پرداخت واضح است که نمی توان به هر فردی مطابق قوانین اسلامی ارث بخشید تحقق ارث برای افراد خارج از درجات و طبقات ارث تنها در قالب وصیت و آن هم یک سوم اموال امکان پذیر است.

۱-۳. زنده بودن وارث حین الفوت

شرط دیگری که در تحقق ارث لازم است زنده بودن جنین در حین فوت می باشد در صورتی که دچار شبهه باشیم که آیا ورثه زنده بوده یا مرده زنده بودن او استصحاب می شود و می توان او را شامل وراثت قلمداد کرد.

۱-۴. وجود ترکه

زمانی ارث به دیگری منتقل می شود که اساساً ترکه ای وجود داشته باشد تا دارایی نداشته باشد ارث به وراثت نمی رسد بدون دارایی انتقالی صورت نمی گیرد بعد از فوت کلیه دیون متوفی کسر شده و باقیمانده به ورثه منتقل می شوند وراثت هرگز صاحب دیون متوفی نمی شوند (Shahidi, 2022).

۲. موانع ارث

۲-۱. قتل

ماده ۸۸۰ قانون مدنی مقرر می دارد که قتل عمد مانعی برای ارث بری به شمار می رود مقنن در این ماده نوعی تدبیر پیشگیرانه از قتل های خانوادگی جهت دریافت ارث نموده است همچنین از جهاتی نیز نوعی مجازات نیز به شمار می رود (Katouzian, 2010).

قتل عمد بر طبق قواعد حقوقی و فقهی موجب قصاص خواهد شد اما دین مقدس اسلام به خانواده مجنی علیه این اختیار را داده است که میان قصاص و دیه حق انتخاب داشته باشد در مواردی که ولی دم تقاضای دیه کند پرداخت دیه الزامی است اما بر طبق قانون مدنی قاتل خود از آن سهمی نمی برد قتل تنها مانع ارث است که تمامی فقها در خصوص آن باهم اتفاق نظر دارند (Najafi, 1995). برای پیشگیری از اعمال نیت شیطانی وارثان مبنی بر قتل مورث خود بیشتر

کشورهای اسلامی قتل به مباشرت یا به تسبیب را عامل مهمی در ممنوعیت انتقال ارث به ورثه منسوب نموده اند (M. T. Khoei, 1990; S. A. Q. Khoei, 1990).

بر طبق ماده ۸۸۱ قانون مدنی اگر ورثه در اثر دفاع مشروع یا اجرای قانون اقدام به قتل مورث نماید مشمول این مانع نخواهد شد در چه شرایطی می توان فرزند ناشی از بارداری مصنوعی که اقدام به قتل یکی از والدین خود نموده است را از ارث محروم کرد؟

لازم است که اولاً، قتل عمد باشد قتل غیر عمد مانع تحقق ارث بری نمی باشد مشهور فقهای امامیه در خصوص قتل خطایی بر این باورند که قاتل از ترکه ارث می برد لکن، نسبت به دیه مستحق دریافت ارث نیست (Ibn Murtadha, 1989). اقل فقها تنها صرف قتل را برای جلوگیری از ارث بری کافی می دانند و تفاوتی میان عمد و غیر عمد نمی دانند از دیدگاه این گروه از فقها که در اقلیت فکری در میان فقها می باشند همه نوع قتل می تواند مانع ارث شوند (Tabatabai & Amoui, 2012; Tabatabai, 1992; Tabatabai & Mousavi, 1995).

شرط دوم آن است که قاتل در زمره ورثه محسوب شود این فرض علی رغم وضوح می تواند در مواردی دارای اهمیت باشد به این مفهوم که اگر میان متوفی و ورثه درگیری رخ دهد اما متوفی در اثر اشتباه پزشکی دچار فوت گردد ورثه همچنان ارث می برد زیرا علت قتل نیست قتل مانع ارث محسوب می شود که علت مستقیم قتل باشد؛ در صورتی که قاتل اقدام به قتل شریک ارث آینده خود را به قتل برساند مشمول این حکم نمی شود (Shahidi, 2022). مهم ترین شرط که مانع تحقق ارث می گردد آن است که قتل نباید در مقام دفاع یا اجرای قانون به عمل آمده باشد. این دیدگاه مورد اتفاق نظر کلیه فقهای مذاهب اسلامی است که از سوی مقنن ایران نیز مورد قبول قرار گرفته است (Katouzian, 2019). شرط سوم آن است که قاتل صغیر یا مجنون و فاقد مسئولیت کیفری نباشد عمد الصبی و المجنون به حکم خطا بنابراین این کم شامل افراد فاقد مسئولیت کیفری نمی شود (Najafi, 1995).

اگر در فرضی وارث قاتل تنها ورثه مقتول باشد به زعم حر عاملی اولاد قاتل ارث مقتول را خواهند برد (Haji Azizi & Ghafghazi, 2014).

همان‌طور که مشخص شد قتل از روی اجرای قانون یا دفاع مشمول منع از ارث نمی‌شود اما دامنه دفاع چقدر است آیا دفاع مشروع در معنای عام شامل این استثناء می‌شود؟ قتلی که برای حفظ جان باشد موجب این محرومیت می‌شود یا قتل در مقام دفاع از ناموس و ارض نیز آن را شامل می‌شود؟

شهیدی در پاسخ بیان می‌کند که مشمول نمودن کلیه موارد دفاع مشروع در این قلمرو با منطق حقوقی سازگاری ندارد زیرا دفاع مشروع که در مقام دفاع از عرض و آبرو افراد انجام می‌شود و در مقام کیفری سلب مسئولیت به عمل می‌آید صرفاً جهت ذائل نمودن کیفر است و این امر مشمول ارث نمی‌شود بنابراین در موارد دفاع مشروع غیر از دفاع از جان فرد تابع قاعده کلی شده و از ارث محروم می‌شود (Shahidi, 2022).

۲-۲. کفر

کفر در مقابل مسلمان استعلام می‌شود (Javadi, 1997). اشخاصی که هنوز شهادتین را جاری ننموده‌اند کافر به شمار می‌روند (Kulayni, 1986). کافر از مسلمان ارث نمی‌برد لکن، مسلمان از کافر ارث می‌برد (Najafi, 1995).

مانعیت کفر زمانی محقق می‌شود که مورث مسلمان باشد بنابراین از متوفی مسلمان هیچ کافری نمی‌تواند ارث دریافت کند ترکه مورث مسلمان تنها به وارثان مسلمان او منتقل می‌شود و کفار هرچند از نظر طبقه و درجه نزدیک‌تر باشند از مسلمان ارث نمی‌برند (Ghadiri, 2014).

اگر برای مثال زوجین بودائی در ایران اقدام به تلقیح مصنوعی نمایند اما فرزند آن‌ها در سنین بزرگسالی مسلمان شود و علاوه بر خود یک برادر دیگر داشته باشد و والدین آن‌ها از دنیا بروند تمامی ارث به تازه‌مسلمان می‌رسد؛ زیرا برادر دیگر همچنان دین بودائی را داشته و بر طبق قوانین اسلامی مسلمان از کافر (والدین) ارث می‌برند و اگر

یک مسلمان در کنار یک کافر یا تعداد بیشتری در ردیف وارثان قرار داشته باشد تمامی ارث به مسلمان می‌رسد این مثال را می‌توان از حالت دیگر نیز مطرح کرد اگر همین فرزند تازه‌مسلمان از والدین خود زودتر بمیرد تمامی دارای او مطابق قوانین ایران به حکومت می‌رسد زیرا والدین او بودائی بوده و آن‌ها از دارایی مسلمان ارث نمی‌برند درمجموع می‌توان مسلمان را مانع ارث‌بری کافر بدانیم مسلمان شدن کافر بعد از تقسیم ترکه تأثیری در انتقال آن نداشته و دیگر مشمول ارث نمی‌شود (Tabatabai & Amoui, 2012).

در مواردی که کلیه وراث کافر اصلی باشند و مورث نیز کافر اصلی باشد بر طبق قوانین مربوط به آن‌ها ارث تقسیم می‌شود تفاوت در میان دین آن‌ها تأثیری در تقسیم ارث ندارد (الکفر ملت الواحد) هیچ تفاوتی میان کفار مختلف وجود ندارد (Najafi, 1995). در صورتی که متوفی مرتد باشد نیز تمامی ترکه او به حاکم شرع منتقل می‌شود که صرف فقرا و مساکین می‌شود خویشاوندان کافر متوفی اعم از کافر مرتد ملی و فطری تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند (Tabatabai & Amoui, 2012).

۲-۳. زنا

زنا یکی از موانع ارث است که در قانون ایران به صراحت مورد لحاظ قرار گرفته است ماده ۸۸۴ قانون مدنی طفل متولدشده از زنا را محروم از ارث می‌داند زیرا ماده ۱۰۷۶ همان قانون به صراحت رابطه خویشاوندی میان زانی و زنازاده را انکار می‌کند و آن را ملحق به زانی نمی‌داند (Shahidi, 2022).

طوسی در این زمینه بیان می‌کند که ولد الزنا از هیچ یک از والدین خود ارث نمی‌برد. این گروه علاوه بر اینکه فرزند را از ارث‌بری محروم می‌نمایند والدین را نیز از ارث‌بری از فرزند ناشی از زنا منع می‌نمایند (Shahidi, 2022). بر این پایه که دیدگاه مشهور فقها را تشکیل می‌دهد در زنا هیچ‌یک از والدین و فرزندان ناشی از زنا از یکدیگر ارث نمی‌برند نظریه عدم ارث‌بری مطلق بر این امر استوار است که نسب فرزند به زن و مردی که رابطه نامشروع داشته‌اند نمی‌رسد و نسب تنها از طریق مشروع محقق می‌گردد

(Muhayqiq al-Hilli, 2008). برخی فقها در خصوص صحت

این نظریه ادعای اجماع نموده‌اند (Najafi, 1995).

در مقابل این نظریه که مشهور امامیه را به خود اختصاص داده است جمهور فقهای عامه رابطه ارث‌بری میان فرزند و مادر را برقرار کرده و تنها رابطه ارثی میان فرزند و پدر را منع می‌نمایند این گروه قائل به تفصیل شده‌اند و معتقد هستند که در زنا فرزند از پدر خود ارث نمی‌برد اما از مادر ارث می‌برد و مادر نیز از او ارث می‌برد همچنان که فرزند ملائنه از مادرش و مادرش از او ارث می‌برد، بین فرزند نامشروع و مادرش نیز توارث برقرار است. صدوق نسب طفل نامشروع به مادر را صحیح دانسته ولی فرزند را به پدر منسوب نمی‌داند (Al-Sharbini, 1994).

صانعی در نظریه‌ای که اقل محسوب می‌شود بیان می‌دارد که والدین از فرزند نامشروع ارث نمی‌برند اما فرزند از آن‌ها ارث می‌برد و ولد الزنا را نمی‌توان به خاطر کار نکرده مشمول عقوبت دانست (Sistani, 2016). با تتبع در نظریات مختلف اهل فقه مقنن ایران از همان نظریه مشهور فقهای امامیه یعنی منع ارث‌بری والدین و ولد نامشروع می‌دانند قانون ایران در ماده ۸۸۴ یکی از موانع ارث را تولد در اثر رابطه نامشروع قلمداد می‌کند.

۲-۴. سایر جهات

برخی از موانع ارث که در این قسمت مورد مطالعه قرار می‌گیرد چندان مبتلا به نمی‌باشند از جمله برده بودن که یکی از موانع ارث است (Najafi, 1995).

لعان مانع دیگر ارث‌بری محسوب می‌شود منظور از لعان همان لعنت کردن است (Seyah, 2014). در مواردی مورد استناد قرار می‌گیرد که مردی به همسر خود نسبت زنا داده و فرزند متولد از او را انکار نماید زن و شوهری که هم را لعان کنند یا فرزندی که از سوی پدر مورد لعنت قرار گیرد ارث را منتفی می‌نماید (Najafi, 1995).

عول و تعصیب که در برخی مذاهب وجود دارد، در این دیدگاه باطل است. در موضوع ارث گاهی برخی موانع دیگر مانند حمل، مجوس، ولد الزنا، خنثی، لعان و رقیق مانع آن می‌شوند که فرد ارث

ببرد. گاهی نیز برخی افراد حاجب برخی دیگر در ارث بردن می‌شوند. در فقه شیعه برای مجوس سهمی از ترکه در نظر گرفته نشده است، اما درباره ارث غرق و مهدوم علیهم بیان شده است که ابتدا باید فرض شود یکی از آن دو فوت کرده تا تقسیم ارث صورت گیرد. سپس فرض شود فرد دوم فوت شده و دوباره تقسیم ارث انجام شود. درباره حبوه نیز بیان شده است که تنها به پسر بزرگ‌تر تعلق می‌گیرد. در مورد ارث زوج و زوجه نیز ارث هریک در شرایط مختلف بیان شده است (Katouzian, 2010).

۳. بررسی ارث ناشی از بارداری مصنوعی

در بارداری‌های مصنوعی مسئله ارث با چالش‌های زیادی همراه است. اینکه، طفل متولد شده از بارداری مصنوعی چگونه از والدین خود ارث می‌برد و در چه شرایطی به آن‌ها ارث می‌دهد، از مباحث مهمی است که در این قسمت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱. بررسی ارث ولد از والد در بارداری‌های مصنوعی

۱-۱-۳. ارث از پدر

در دین مبین اسلام فرزند از والدین خود ارث می‌برد اما در بارداری‌های نوین حالات مختلفی پیش می‌آید که در میان فقه پژوهان و حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. در خصوص اینکه بارداری‌های نوین از منظر حقوقی و فقهی جایز است یا خیر من حیث المجموع می‌توان بیان داشت که تلقیح مصنوعی به ویژه از نوع همگون مورد قبول بیشتر فقها و حقوق‌دانان است (Maqsoudi & Shafiei, 2017). خامنه‌ای در این خصوص می‌گوید: «در مواردی که فرد متولد شده به وسیله لقاح مصنوعی از نوع همگون به والدین خود منسوب است و از آن‌ها ارث می‌برد البته با رعایت شرایط عمومی توارث لکن در مواردی که تلقیح مصنوعی از نوع ناهمگون است بهتر است که میان آن‌ها مصالحه صورت گیرد». ایشان در استفتائات به عمل آمده بیان می‌دارند که فرزند متولد شده در این موارد به صاحب تخمک و اسپرم متعلق است و از آن‌ها ارث می‌برد و نمی‌توان رابطه توارث میان زن صاحب تخمک با مردی که در فرآیند لقاح نقش نداشته است هر چند شوهر زن باشد برقرار نمود

(Khamenei, 2002). خویی نیز در این رابطه بیان می‌کند که فرزند متولدشده از لقاح مصنوعی تنها از صاحب اسپرم ارث می‌برد (M. T. Khoei, 1990).

گروه دیگر تلقیح مصنوعی را به صورت مطلق حرام دانسته و آن را در حکم زنا می‌دانند (Katouzian, 2010). قبول این نظر به آن معنا است که فرزند متولدشده از این شیوه از والدین خود ارث نمی‌برد زیرا مشهور فقیهان معتقدند: «ولدالزنا» از تصدّی برخی امور و پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم است؛ از جمله بین او و والدینش رابطه توارث وجود ندارد؛ بنابراین، نه او از والدین ارث می‌برد و نه ایشان می‌توانند از وی چیزی به ارث برند. (احمدی روین، ناصری مقدم و سلطانی ۱۳۹۶، ۳۸) اما نظریه اقل در این خصوص وجود دارد که اذعان می‌کند در این موارد والدین از فرزند ارث نمی‌برند ولی فرزند از والدین خود ارث می‌برد (Shahidi, 2022). به هر رو آنچه مسلم است موضع مشهور فقها در کشور ما و نظام حقوقی بر آن است که ولدالزنا ارث نمی‌برد بنابراین اگر لقاح مصنوعی را در حکم زنا بدانیم به معنای آن است که رابطه توارث میان پدر و فرزند برقرار نخواهد بود امری که مورد قبول نگارنده قرار نگرفته است زیرا زنا مطابق قواعد اسلامی باید تفسیر مضیق شود و نمی‌توان تمامی روابط هرچند نامشروع را زنا دانست زیرا شارع مقدس در تعریف و اثبات زنا جزئیات را بیان داشته است به این مفهوم که باید مورد تفسیر محدود قرار گیرد بنابراین نمی‌توان لقاح مصنوعی ولو از نوع ناهمگون را زنا دانست؛ زیرا اولاً، رابطه جنسی میان دو طرف وجود نداشته است و در ثانی طرفین به قصد تولیدمثل اقدام به لقاح نموده‌اند نه لذت بردن جنسی که به آن واسطه زنا محقق شده است. از این رو می‌توان نظریه مزبور را رد نمود و مطابق نظریه مشهور فقهای تأثیرگذار در نظام حقوقی کشور از جمله خامنه‌ای، سیستانی، خویی، صانعی و نظایر آن تلقیح مصنوعی از نوع ناهمگون در موارد ضرورت برای فرزندآوری مورد قبول خواهد بود؛ هرچند مقنن در این زمینه ساکت است. در خصوص نسب طفل متولدشده می‌توان نسب فرزند را به صاحب اسپرم و تخمک تسری داد. به همین منظور توارث نیز

میان آن‌ها برقرار می‌شود. پذیرش این دیدگاه که از سوی برخی از فقها از جمله مکارم شیرازی و فاضل لنکرانی مطرح شده است دارای این ایراد است که عمدتاً، اهدای اسپرم و تخمک از سوی افراد بیگانه ناشناس بوده و اهداکنندگان تمایلی به دارا بودن تعهد مازاد ندارند. بار کردن تعهد اضافی از جمله ارث بر صاحبان نطفه موجب کاهش تمایل افراد به اهدای اسپرم و تخمک و در نتیجه افزایش ناباروری در جامعه می‌شود. راه حل مناسب آن است که بار این مسئولیت را به زوجین متقاضی بار نماییم در این راستا خامنه‌ای نیز قائل به مصالحه شده است (Khamenei, 2002). به آن معنا که با توجه به احکام ثانویه و در راستای منافع حکومت اسلامی و افزایش جمعیت مسلمانان می‌توان از شیوه‌های بارداری مصنوعی استفاده کرد به نحوی که موجب افزایش تعهد اهداکنندگان نگردد شاید بتوان ماده ۳ قانون اهدای جنین که برخی از تعهدات مرتبط با حضانت را بر زوجین متقاضی بار نموده است را به این نحو تفسیر نمود که مقنن در نظر داشته است که تکالیف مرتبط با والد بودن را به زوجین متقاضی بار نماید اما به هر حال سکوت مقنن و فقها در این رابطه همچنان می‌تواند موجبات اشکالات فراوانی را فراهم نماید.

طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی که می‌گوید «موجبات ارث دو امر است: نسب و سبب» نسب یکی از موارد تحقق توارث است و طفلی که نسب مشروع دارد ارث می‌برد از اقوام و از او هم ارث برده می‌شود به شرط تحقق موجبات ارث. در مورد مسائل ما اگر اسپرم شوهر قبل از فوت با تخمک زن ترکیب شود و نطفه تشکیل شود در این صورت اگر زنده هم متولد شود همچون فرزند حاصل از نزدیکی طبیعی ارث می‌برد ولی اگر بعد از فوت شوهر نطفه تشکیل شود، در این صورت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی از پدر خود ارث نخواهد برد (Ghadiri, 2014).

ماده ۸۷۵ قانون مدنی شرط توارث را زنده بودن وارث در هنگام فوت مورث می‌داند بنابراین اگر لقاح در زمانی انجام شده باشد که مورث زنده است جنین از او ارث می‌برد در غیر این صورت ارث نمی‌برد به یقین می‌توان گفت که بین صاحب اسپرم و کودک، توارث

برقرار است و آنان از یکدیگر ارث می‌برند. تنها عاملی که می‌تواند مانع ارث بردن طفل از پدر خود شود زنازادگی او است فقهای مخالف تلقیح مصنوعی ناهمگون بر این باورند که در خصوص طفل متولدشده از این نوع بارداری باید قائل به احتیاط شد (Najafi, 1995). آن‌ها بر این باورند که هرچند در تلقیح مصنوعی ناهمگون زنا محقق نمی‌شود لکن طفل متولدشده از این تلقیح علی‌رغم وجود رابطه نسبی با صاحب اسپرم و تخمک مانند ولد الزنا از والدین خود ارث نمی‌برد (Maqsoudi & Shafiei, 2017) اما در واقع نمی‌توان این نظریه را پذیرفت زیرا تلقیح مصنوعی زنا نیست و هیچ قاعده‌ای دال بر حرمت این امر وجود ندارد بنابراین باید اصل را بر اباحه گذارد.

در آیه ۱۱ از سوره نساء خداوند در خصوص نحوه ارث بردن از پدر مقرر داشته است که، یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظّ الاُنثیین فإن کن نساءً فوق اثنتین فلهنّ ثلثا ما ترک و ان کانت واحدهً فلها النصف و لا یویه لکل واحد منهما السدس مما ترک ان کان لهما ولد فإن لم یکن له ولد و ورثه أبواه فلأمه الثلث فإن کان له إخوة فلأمه السدس من بعد وصیه یوصی بها أو دین أبائکم و آبائکم لا تدرون ایهم أقرب لکم نفعاً فریضه من الله ان الله کان علیماً حکیماً^۱ فرض مسائله به این شکل است که اسپرم شوهر اخذ شده و بعد از تقویت و آماده‌سازی به زوجه تلقیح شود یا اینکه زوجه بعد از اخذ اسپرم آمادگی تولید تخمک را ندارد بنابراین اسپرم شوهر در وسایل مصنوعی نگهداری تا تخمک تولید و آماده تلقیح شود در فاصله اخذ و تلقیح اسپرم، شوهر فوت کند و بعد از فوت او اسپرم به زوجه تلقیح شود در این صورت آیا می‌توان قائل به ارث بردن طفل از پدر شد؟ (Tabatabai & Amoui, 2012).

خامنه‌ای نیز در تقویت نظریه عدم جواز ارث‌بری جنین اشعار می‌دارد که اگر نطفه شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش

لقاح شده و سپس به رحم منتقل شود عمل مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست و فرزندى که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث نمی‌برد (Khamenei, 2002). خویی در این رابطه تأکید می‌کند که در تلقیح مصنوعی نسب طفل به صاحب اسپرم می‌رسد و از این جهت باید هم او را والد نسبی دانست بنابراین طفل از او ارث خواهد برد (M. T. Khoei, 1990). گلیایگانی نیز در این رابطه استدلال می‌نماید از آنجایی که فرزند حلال‌زاده است رابطه توارث بین او پدر برقرار خواهد شد (Haji Azizi & Ghafghazi, 2014).

در خصوص وضعیت انجام تلقیح مصنوعی بعد از فوت صاحب ارث استدلال می‌شود با توجه به ماده ۸۷۵ قانون مدنی از آنجایی که در حین فوت مورث جنین وجود نداشته است از صاحب اسپرم نیز ارث نمی‌برد (Katouzian, 2010, 2019). از سویی دیگر با توجه به اینکه دارایی از حقوق مربوط به شخصیت انسان می‌باشد و با موت انسان و پایان گرفتن شخصیت حقوقی وی ساقط می‌گردد، از این رو، با مرگ هر انسانی دارایی او فقط به ورثه موجود حین الفوت انتقال می‌یابد و با توجه به اینکه جنین ناشی از تلقیح مصنوعی به معنای تخمک بارور شده در حین موت موجود نبوده و برای ارث‌بری فاقد اهلیت تمتع می‌باشد و ارث بردن چنین طفلی برخلاف مبانی سنتی و فطری نظام وراثت است، نمی‌توان او را جز وارث محسوب کرد؛ زیرا، طفل لقاح یافته پس از فوت پدر نه دارای اهلیت تمتع بوده و نه دارای شخصیت حقوقی (Haji Azizi & Ghafghazi, 2014). خویی در این رابطه بیان می‌کند از آنجایی که بعد از مرگ رابطه زوجیت باقی خواهد ماند در نتیجه تمامی آثار نکاح برقرار خواهد بود جنین به صاحب اسپرم ملحق شده و در نتیجه از او ارث می‌برد (M. T. Khoei, 1990; S. A. Q.).

^۱ - خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر

(Khoei, 1990). مقدس اردبیلی در این خصوص بیان می‌کند که هرگاه مردی بلافاصله پس از آمیزش با همسر خود، فوت نماید و سپس کودکی متولد شود که با توجه به امارات مربوط به حداقل یا حداکثر دوران بارداری، به متوفی منتسب گردد، طفل مزبور از پدر خود ارث می‌برد. در این فرض آنچه مسلم است این که هنگام فوت مرد، هنوز لقاح بین اسپرم و تخمک صورت نگرفته است تا چه رسد که بتوانیم آن را حمل به شمار آوریم و قطعاً انعقاد نطفه پس از فوت صاحب اسپرم صورت گرفته است (Muqaddas, 2001). به نظر می‌رسد با فوت نتوان حکم به عدم بقای رابطه زوجیت داد بنابراین جنین به پدر خود منسوب شده و از او ارث خواهد برد تمام احکام زوجیت به زمان بعد از مرگ یکی از زوجین نیز تسری می‌یابد مگر آن دسته از احکامی که موضوعاً قابلیت اجرا را ندارند از جمله پرداخت نفقه همسر مرده مادامی که نطفه قابلیت باروری دارد تلقیح آن بلاشکال است و جنین در این حالت از والدین خود ارث می‌برد برای ثبوت ارث صرف انتساب فرزند به پدر کفایت می‌کند محروم کردن جنین از ارث در این شرایط امری است که به نظر خلاف عرف و احساسات عامه به شمار می‌رود در واقع باید بیان داشت که طفل لقاح یافته از اسپرم پدر متوفی فرزند حقیقی او محسوب شده و محروم کردن او از ارث باوجدان عمومی سازگاری ندارد.

مسئله دیگر در این زمینه آن است که اگر در بارداری‌های مصنوعی روش رحم اجاره‌ای مورد استفاده قرار گیرد آیا طفل از شوهر مادر صاحب رحم ارث می‌برد؟

برخی در این زمینه بر این باورند که کودک به دلیل وجود عدم رابطه نسبی با شوهر زن صاحب رحم از او ارث نمی‌برد زیرا با او رابطه نسبی ندارد و در مقابل با مرد متقاضی نیز هیچ‌گونه رابطه نسبی نداشته و بنابراین وجود ارث‌بری از او منتفی است و گروه دیگر قاعده فراش را جاری دانسته و بر این باورند که طفل در این شرایط از شوهر زن صاحب رحم ارث می‌برد زیرا ظاهر در این موارد بر طبق قاعده فراش تعلق داشتن فرزند به شوهر زن است اما می‌توان به راحتی این دو نظریه

را مردود دانست زیرا زوج صاحب رحم با طفل هیچ ارتباطی ندارد و قاعده فراش در این موارد قابلیت اجرا ندارد (Tabatabai & Amoui, 2012).

گروهی از فقها خواستار رعایت اصل احتیاط در این شرایط هستند آن‌ها بر این باورند که در این قبیل مسائل باید با مصالحه و احتیاط پیش رفت نه سایر ورثه، کودک متولد شده از این طریق را به کلی از ارث محروم سازند و نه این کودک همه‌ی سهم الارث خود را، ملک خود بداند بلکه با ورثه مصالحه کنند (Khomeini, 1999).

مخالفان بر این نظریه انتقاد وارد کرده‌اند که منظور از مصالح در این نظریه چیست؟ چگونه می‌توان در این زمینه صلح نمود؟ اگر طرفین به مصالحه نرسند چه باید نمود؟ از آن گذشته ارث در دسته قواعد آمره است پس چگونه می‌توان به اراده افراد واگذار خامنه‌ای و سیستمی در این زمینه بیان می‌دارند که مرد متقاضی پدر طفل محسوب شده و رابطه توارث میان آن‌ها شکل خواهد گرفت (Khamenei, 2002; Sistani, 2016). مصالحه در این نظریه به مثابه پذیرش نسب حکمی است قبول نسب والدین حکمی می‌تواند تمامی مشکلات پیش آمده در خصوص توارث را نیز مرتفع نمایند زیرا انتساب طفل به صاحبان نطفه معمولاً، قابل قبول نیست زیرا در این شرایط اهدای تخمک، اسپرم و جنین با دلسردی افراد مواجه می‌شود و در عمل هم مطابق آئین نامه قانون اهدای جنین مشخصات اهداکننده محرمانه خواهد بود افراد به صورت ناشناس اقدام به اهدای اسپرم و تخمک می‌کنند این امر موجب عدم دسترسی به والدین بیولوژیک می‌شود حالتی که طفل را بدون وارث و مورث رها می‌کند به این معنا که طفل از والدین حکمی خود که او را فرزند حقیقی می‌دانند ارث نمی‌برد و والدین بیولوژیک او نیز مشخص نیست این نتیجه با منطق و عقل هماهنگی ندارد پس راه حل مصالحه تا اصلاح قوانین بهترین راه حل می‌رسد.

در برخی از شرایط تلقیح مصنوعی توسط اتباع ایرانی غیر شیعه انجام می‌گیرد زوجین ایرانی غیر شیعه از طریق تلقیح مصنوعی دارای فرزند می‌شوند از آنجایی که مطابق قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر

شیعه آن‌ها در احوال شخصیه از جمله ارث تابع مذهب خود هستند مشکلات فوق‌الاشاره در صورت پذیرش مذهب آن‌ها پیش نخواهد آمد (Araki, 1992) کسانی که در ایران تحت حکومت قواعد عام قانون مدنی نیستند می‌توانند به طرق مختلف مشکلات مربوط به تلقیح مصنوعی را مرتفع کنند.

موسوی بجنوردی راه‌حل چالش‌های موجود در ارث را تغییرات در برخی از قواعد آن می‌داند به اعتقاد این فقیه عالی‌قدر ارث عمدتاً، تابع قواعد مکان و زمان است به‌این‌ترتیب هر دوره با توجه به مقتضیات عرفی خود اقدام به تعیین قواعد ارث می‌نمایند اسلام نیز با ظهور خود با توجه به شرایط آن زمان عربستان برخی از قوانین را تغییر داد بنابراین ارث همواره تابع عرف و عنصر مکان و زمان است (Mousavi Bojnordi & Ahmadi, 2017). از این‌رو باید در قواعد ارث مواردی است که نیاز به حذفیات و ملحقات نمایم قائل شدن مواردی مانند نسب حکمی می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود را حل نمایند.

۳-۱-۲. ارث از مادر

اطلاق مادر بر زن‌های مختلفی قابل‌تصور است زنی که صاحب تخمک است، زنی که او را در رحم حمل می‌کند و زنی که به او شیر می‌دهد در زمینه نسب طفل به این زنان نظرات مختلفی بیان شده تا جایی که نمی‌توان اتفاق نظر در میان فقها و حقوق‌دانان به دست آورد اما مشهور فقها قائل به نسب طفل از زن صاحب تخمک هستند اگر این نظریه را بپذیریم باید ارث‌بری طفل از این زن را هم قبول نمایم (Al-Sharbini, 1994).

مهم‌ترین سؤالی که در این قسمت مانند نسب مادری مطرح می‌شود این است که فرزند از کدام‌یک از زن‌های مؤثر در تولد او ارث می‌برد؟ زنی که رحم خود را برای تولد او در اختیار گذاشته است یا زن صاحب تخمک؟ در صورت ترکیب تخمک‌های مختلف از زنان متعدد چه حالتی پیش می‌آید؟

در زمینه ارث نیز مانند نسب اختلاف نظر زیادی دیده می‌شود اگر طرفدار نظریه تولد باشیم باید مادری را که کودک را به دنیا می‌آورد

مادر حقیقی طفل دانسته و احکام ارث را نسبت به او جاری نمایم. در این نظریه فرد از زنی ارث می‌برد یا به زنی ارث می‌دهد که از او متولد شده باشد؛ اما گروهی که زن صاحب رحم را در حکم مادر رضاعی طفل می‌دانند صرفاً برای او حرمت ناشی از ازدواج در نظر گرفته ولی قواعد ارث نسبت به مادر رضاعی هرگز اجرا نمی‌شود (Yazdi, 2021).

برخی از فقها از جمله فقیه اهل سنت از آنجایی که طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی را ولد الزنا می‌دانند. تنها رابطه توارث را میان او و مادر برقرار می‌نمایند. به اعتقاد آن‌ها ولد الزنا (در اینجا طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی) تنها از مادر خود ارث می‌برد زیرا هیچ نسیبی از صاحب اسپرم ندارد (Al-Sharbini, 1994).

کسانی که مادر فرزند را مادر صاحب تخمک می‌دانند بر این باورند که فرزند صرفاً از مادر صاحب تخمک ارث می‌برد زیرا نسب او به این زن بازمی‌گردد برخی از فقها از جمله خوئی از ملاک ولادت در تعیین نسب طفل به مادر استفاده می‌نمایند به‌زعم ایشان زنی که کودک را به دنیا می‌آورد همان مادر حقیقی طفل به شمار می‌رود به‌این‌ترتیب در رحم اجاره‌ای زن صاحب رحم زنی است که مادر نسیبی طفل محسوب می‌شود (S. A. Q. Khoei, 1990). اراکی نیز استدلال می‌کند زن صاحب رحم چون دلیل آخر به شمار می‌رود مادر حقیقی طفل به شمار می‌رود بنابراین در رحم اجاره‌ای زن صاحب رحم مادر نسیبی طفل محسوب شده و توارث میان آن‌ها برقرار می‌شود (Araki, 1992). این نظریه نیز این ایراد را دارد که زن صاحب رحم در رحم اجاره‌ای صرفاً، به‌قصد نیکوکاری یا کسب درآمد اقدام به این عمل می‌نماید و تمایلی به پذیرش تعهدات بیشتر به‌ویژه در زمینه ارث را ندارد، بار کردن تعهدات سنگین بر زنان در این مورد موجب کاهش تمایل آن‌ها به انجام اقدامات لازم برای اجاره رحم در ناباروری می‌شود. آخوندی که از جمله فقهای معدودی است که توارث در تلقیح مصنوعی را تنها به مادر نسبت می‌دهد بیان می‌کند که هنگامی فرزند می‌تواند از پدر خود ارث ببرد که تلقیح از راه جنسی و به‌صورت متعارف انجام شده باشد بنابراین

در این مورد طفل متولدشده تنها از مادر خود ارث خواهد برد و رابطه توارث با صاحب اسپرم برقرار نمی‌شود (Lotfi & Saadat, 2011)؛ اما اگر نظریه فقها و حقوق‌دانانی را قبول نماییم که قائل به دو مادری هستند به این معنا که صاحب تخمک و صاحب رحم را مادر حقیقی می‌دانند نیز قابل انتقاد است؛ زیرا در این صورت باید بپذیریم که کودک از هر دو زن ارث می‌برد امری که خلاف قوانین فقهی و حقوقی می‌باشد؛ اما مکارم شیرازی و سیستمی زن صاحب تخمک را مادر حقیقی دانسته و رابطه توارث را میان او و طفل متولدشده برقرار می‌دانند (Sistani, 2016). این نظریه هم مانند پذیرش نظریه صاحب اسپرم به عنوان پدر حقیقی در بارداری‌های ناهمگون می‌تواند آثار نامطلوبی را در پی داشته باشد به نحوی که موجب کاهش تمایل اهدای تخمک به زنان نابارور و افزایش ناباروری می‌شود به همین دلیل تمسک به نظریه خامنه‌ای که قائل به مصالحه در این موارد است، بهتر است (Khamenei, 2002). گلپایگانی ضمن نپذیرفتن تلقیح مصنوعی و صدور حکم حرمت از نظر تکلیفی در احکام وضعی بیان می‌دارد در خصوص توارث باید با سایر فرزندان مصالحه صورت گیرد (Ghadiri, 2014). مصالحه شاید بهترین راه و معقول‌ترین روش ممکن است البته پرواضح است که باید در این شرایط مقنن حتماً شرایط لازم برای مصالحه را روشن ساخته و همچنین تکلیف عدم مصالحه را نیز نمایان کند. در عمل والدین حکمی برای انتفاع فرزندان ناشی از لقاح مصنوعی از اموال خود از اقداماتی مانند وصیت، هبه به شرط نتیجه و امثال هم استفاده می‌نمایند. طبق حکم ماده ۸۵۱ ق.م که به موجب آن وصیت برای حمل صحیح دانسته شده، در موضوع وصیت کودک حاصل از رحم اجاره‌ای نیز جریان داشته و می‌توان نسبت به او نیز در دوران حمل وصیت کرد، اما تملک طفل نسبت به «موصی به» منوط به زنده متولد شدن اوست. طبق ماده ۸۵۲ ق.م که مقرر می‌دارد: «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط نشود، موصی به به ورثه او می‌رسد، مگر اینکه جرم مانع ارث باشد» در این ماده فرض شده است که اگر جرم سبب سقوط حمل و تلف شدن او نشود و طفل زنده به دنیا

آید، مالک موصی به خواهد شد. این فرض مبتنی بر حالت عادی و معمولی است که اگر حادثه‌ای اتفاق نیفتد، معمولاً حمل با گذراندن مراحل طبیعی خود، زنده متولد می‌شود. بدین جهت قانون او را مانند طفلی می‌داند که زنده متولدشده و شرط تملک موصی به را داشته است، در این صورت، مثل یک انسان کامل با تلف شدن او، موصی به به وارث او انتقال پیدا می‌کند، مگر اینکه جرم مانع ارث باشد، مانند آنکه وارث جنین، اقدام به ارتکاب جرم منتهی به سقط کرده باشد (Lotfi & Saadat, 2011). آنچه مسلم است قانون‌گذار باید به میدان آمده و این آشفتگی و نابسامانی را مرتفع نماید زیرا نمی‌توان هیچ‌یک از این راهکارهای ارائه‌شده را به عنوان راه اصلی پذیرفت لازم است حکم قانونی به میان آید که وضعیت توارث والدین و فرزندان را مشخص نماید اگر توارث از زن صاحب تخمک را بپذیریم از آنجایی که عمدتاً اهدای تخمک محرمانه صورت می‌گیرد کودک قادر به دریافت ارث از او نمی‌باشد و نمی‌تواند از مادر و حتی پدر حکمی خود ارث ببرد و اگر زن صاحب رحم را به عنوان مادر بپذیریم در موارد رحم اجاره‌ای مشکلاتی در عمل پیش می‌آید؛ بنابراین بهترین راه در عمل آن است که مقنن توارث والدین حکمی را بپذیرد و بر آن‌ها کلیه آثار رابطه نسبی را بار نماید در این مسیر نیز می‌تواند از فتاوی خامنه‌ای و گلپایگانی بهره‌مند شود.

۲-۳. بررسی ارث والد از ولد ناشی از بارداری‌های مصنوعی

به‌طورکلی باید بیان داشت که هر جا فرزند از والدین خود ارث می‌برد والدین نیز از او ارث می‌برند در این قسمت باید به این پرسش پاسخ داد که چه هنگامی در بارداری نوین والدین از فرزند خود ارث می‌برند؟
با توجه به ماده ۸۶۲ ق.م اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱. پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد
۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آن‌ها

۳. اعمام و اعمات و احوال و خالات و اولاد آنها

مسئله ارث بری طفل متولد از لقاح مصنوعی در مواردی که تلقیح همگون انجام شده است جای تردید نیست و والدین در این نوع تلقیح قادر هستند از طفل خود ارث ببرند؛ اما نکته در تلقیح ناهمگون و تلقیح از طریق رحم اجاره‌ای به‌ویژه در خصوص مادر با چالش‌های فراوانی همراه می‌شود. همان‌گونه که مشاهده شد برخی از فقها بر این باورند که هر دو مادر یعنی صاحب تخمک و صاحب رحم مادر طفل هستند که در فرض‌های پیشین با اشکالات آن در زمینه توارث فرزند از مادر آشنا شدیم و به این نتیجه رسیدیم که یک فرد قادر به ارث بردن از دو نفر نیست؛ اما در اینجا می‌توان ایراد دیگر این نظریه را مورد تحلیل قرارداد در حالتی که فرزند متولد شده از طریق لقاح مصنوعی زودتر از والدین خویش بمیرد بر طبق قواعد عمومی ارث والدین از او ارث خواهند برد. در این فرض ارث مادر چگونه باید بین دو زن مزبور تقسیم شود. توضیح آنکه همان‌طور که در قواعد عمومی ارث آمده است مادر از فرزند خود می‌تواند یک‌سوم یا یک‌ششم ارث ببرد. حال اگر نظریه این دسته را بپذیریم آیا باید ارث را میان زن صاحب رحم و زن صاحب تخمک تقسیم نماییم؟ این نتیجه با اصول فقهی سازگار نیست و باید یک زن را به‌عنوان مادر طفل به شمار آوریم و رابطه نسبی و توارث را میان او و فرزند برقرار نماییم (Sistani, 2016). سهم مادر در صورت نبودن فرزند یک‌سوم ترکه است، حال اگر صاحب رحم و تخمک هر دو مادر باشند و متوفا دارای زوج و پدر و دو مادر باشد، بر اساس ظاهر آیات قرآن باید هریک از مادرها یک‌سوم ترکه و زوج نیز یک‌دوم ترکه را ارث ببرند و باقی‌مانده به قرابت به پدر می‌رسد، درحالی‌که فرض بالا مقدار سهام از ترکه بیش‌تر است و معلوم نیست که این مقدار اضافه از سهم چه کسانی باید کسر شود، زیرا در فقه امامیه موارد نقصان تر از سهام، فقط در مورد وجود بنت و بنتین یا اخت و اختتین پیش‌بینی شده است که در آن صورت نیز نقص به آنها وارد می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به این‌که در موارد اجتماع وارثان صاحبان فرض و قرابت، ابتدا صاحبان فرض سهم خود را از

ترکه می‌برند و سپس باقی‌مانده به صاحبان قرابت می‌رسد، در فرض یادشده مادران و زوج از کسانی هستند که باید سهم خود را به‌طور کامل ببرند. نتیجتاً در فرض موردبحث، به پدر سهمی از ترکه اختصاص نخواهد یافت و این نتیجه قطعاً خلاف نص قرآن کریم و لازمه آن تأسیس فقه جدید است (Maqsoudi & Shafiei, 2017). برخی نیز برای رفع این مشکل می‌گویند همانند فرض تعدد زوجات می‌توان در این شرایط نیز سهم‌الارث مادر را به‌صورت مساوی بین مادران تقسیم نمود اما این فرض نیز قابل تردید است اولاً: اراده جنس از واژه «أم» در آیه شریفه «فلامه الثلث» خلاف ظاهر است، خصوصاً با ملاحظه اضافه واژه «أم» به ضمیر مفرد که به متوفاً راجع است، بلکه ظاهر از عنوان مذکور آن است که هر شخصی که متصف به این عنوان «أم» گردید و مادر متوفاً شناخته شد، سهم‌الارث او یک‌سوم از ترکه است. ثانیاً: قیاس مورد بحث با حصه زوجات متعدد که میان آنها بالسویه تقسیم می‌شود، قیاس مع الفارق است، زیرا به نص آیه قرآن فرض یک‌هشتم یا یک‌چهارم به تمام زوجات اختصاص دارد، درحالی‌که چنین نصی در فرض موردبحث وجود ندارد، زیرا در آیه ۱۲ سوره نساء آمده است: «و لهن الربع مما ترکتم إن لم یکن لکم ولد فإن کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم» (Maqsoudi & Shafiei, 2017).

اگر صاحب تخمک و اسپرم در تلقیح ناهمگون را والدین واقعی بدانیم در فروضی که صاحبان اسپرم و تخمک مشخص نیستند اموال فرزند متولد شده بلا وارث به شمار می‌رود و والدین حکمی او که مدت زیادی برای او زحمت کشیده‌اند و در فقدان آنها درد و رنج او را تحمل نموده‌اند نیز از ارث او محروم شده‌اند اما اگر مصالحه در زمینه ارث را بپذیریم می‌توان ارث‌بری والدین حکمی در این شرایط را پذیرفت (Khamenei, 2002). در رحم اجاره‌ای همچنان که مشخص شد بیشتر فقها قائل به مادر بودن صاحب تخمک هستند اما اگر صاحب تخمک صرفاً از افراد اهداکننده باشد و زن متقاضی زن ثالث باشد نیز همان مشکل فوق پیش می‌آید که با مصالحه قابل حل است اما اگر صاحب رحم زن متقاضی باشد می‌تواند با مصالحه با

صاحب تخمک مشکل ارث‌بری از فرزند حل گردد روی هم رفته کلیه مشکلات فقدان رویه واحد در قانون ایران و عدم اتفاق نظر فقها در این زمینه نیز کاملاً روشن است.

نتیجه‌گیری

برخی از فقها که تلقیح مصنوعی ناهمگون را در حکم زنا می‌دانند و آن دسته که آن را به دلیل اختلاط نسب حرام می‌دانند، نسب طفل را به هیچ‌یک از زن و مرد نسبت نمی‌دهند و بیان می‌کنند که فرزند متولد شده به هیچ‌یک از زن و مرد منسوب نمی‌شوند؛ اما مشهور موافقان آن را منسوب به صاحبان نطفه می‌دانند و گروه دیگر خواهان مصالحه در این زمینه هستند. انتساب طفل متولد شده به صاحبان نطفه در شرایطی که اهداکنندگان با والدین متقاضی متفاوت باشند، در توارث مشکلات جدی به وجود می‌آورد. فرزند از کسانی ارث می‌برد که آن‌ها را نمی‌شناسند و ممکن است مادر بیولوژیکی او شخصی بوده و پدر بیولوژیکی او شخص دیگری در برخی از موارد نیز ممکن است هویت اهداکنندگان محرمانه باشد که در این صورت فرزند بدون ارث باقی می‌ماند. ایراد دیگری که به این نظریه می‌توان در عمل وارد نمود، آن است که والدین متقاضی بدون وارث مانده و نمی‌توان محیط خانواده را مانند خانواده‌های طبیعی نمود. فاصله‌ای که در این خصوص ایجاد می‌شود موجب بی‌انگیزگی و سردی روابط شده و حتی ممکن است افراد اهداکننده را به دلیل عدم تمایل به بار مسئولیت ناشی از فرزندگی که هرگز آن را نداده‌اند، از اهدا

cases where children are conceived through artificial means, the determination of rightful heirs becomes increasingly complex, raising questions about whether genetic contributors have inheritance rights and how legal parents can either inherit from or bequeath assets to their children. Islamic jurisprudence, like many other legal traditions, establishes inheritance laws based on principles of lineage, marriage, and legitimacy. However, the advent of artificial reproduction technologies has introduced uncertainties regarding how these traditional principles should apply to children born through sperm or egg

منصرف کنند. در نتیجه تمایل افراد به اهدای تخمک و اسپرم کاهش یافته و ناباروری افزایش می‌یابد. در شیوه بارداری از طریق راحم اجاره‌ای نیز برخی بر این باورند که فرزند از آن زنی است که آن را به دنیا آورده است آن‌ها به برخی از آیات قرآن استناد کرده و ملاک تولد و زایمان را برای انتساب طفل به مادر کافی می‌دانند و گروه دیگر صاحب تخمک را مادر اصلی کودک قلمداد می‌نمایند. برخی از فقها نیز قائل به نظریه دو مادری بوده و هر دو زن را در حکم مادر طفل می‌دانند. این نظریات نیز هر کدام ایراداتی در عمل به همراه دارد. پذیرش ملاک تولد در فرضی که زن صرفاً، به درخواست خانواده‌ای جنین را در رحم خود حمل می‌کند که در آن زن قادر به حمل جنین در رحم نیست، موجب بار نمودن مسئولیت مادری به او موجب عدم تمایل به این امر می‌شود. از طرف دیگر بی‌توجهی به نقش زن صاحب تخمک نیز با منطق سازگاری ندارد. پذیرش نظریه دو مادری نیز به آن مفهوم است که فرزند از دو زن ارث می‌برند و دو زن به‌عنوان مادر از فرزند که مخالف قواعد عمومی به نظر می‌رسد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Artificial reproduction techniques have revolutionized the ability of infertile couples to conceive children, leading to numerous legal and ethical debates concerning the status of children born through such methods. Among the most crucial legal consequences of artificial conception is the issue of inheritance, as lineage serves as the primary basis for the transmission of wealth and property across generations. Different legal systems adopt varied approaches to determining inheritance rights, with some prioritizing biological lineage while others emphasize legal parentage. In

donation, surrogacy, and in vitro fertilization. Some jurists argue that only children born through natural conception within a valid marriage qualify for inheritance, while others contend that advancements in reproductive technology necessitate a reinterpretation of Islamic legal doctrines to accommodate these new realities (Shahidi, 2022). The current study aims to examine the complexities of inheritance in artificial pregnancies by analyzing key legal perspectives, religious rulings, and judicial interpretations, thereby providing a framework for addressing the inheritance rights of children born through such methods. Through a descriptive-analytical approach, this research evaluates various viewpoints on inheritance, highlighting both the legal and ethical dimensions of artificial conception and its implications for succession laws (Katouzian, 2010).

The eligibility of children born through artificial reproduction to inherit from their parents depends on multiple factors, including the establishment of a legally recognized parent-child relationship, the marital status of the parents, and the specific method of conception. In many legal systems, inheritance rights are contingent upon the presence of a legitimate biological or legal link between the deceased and the heir. In Islamic law, the principle of *nasab* (lineage) is fundamental to determining inheritance, and children born within a valid marriage are entitled to inherit from both parents. However, the situation becomes more complicated when artificial reproductive techniques involve third-party gamete donors, surrogacy, or posthumous conception. Scholars have debated whether children conceived using donor sperm or eggs should be regarded as legitimate heirs of the individuals who raised them or whether inheritance rights should be restricted to biological parents. Some jurists argue that when conception occurs using a donor's genetic material, the child should inherit only from the genetic parents, while others maintain that the legal parents—those who raise and care for the child—should be recognized as the rightful heirs (Najafi, 1995). Moreover, in cases

where a father dies before conception, questions arise as to whether the child conceived posthumously through stored sperm qualifies as an heir under Islamic law (S. A. Q. Khoei, 1990). The prevailing legal position in many Islamic jurisdictions holds that a child must be conceived while the father is alive to inherit from him; otherwise, inheritance rights are denied. This principle is based on the requirement that a child must be in existence at the time of the father's death to be recognized as an heir (Tabatabai & Amoui, 2012).

In cases of surrogacy, the determination of maternal lineage significantly impacts inheritance rights. Islamic jurisprudence generally recognizes the woman who gives birth as the legal mother, creating challenges in determining whether a child should inherit from the gestational carrier or the genetic mother. While some scholars argue that the woman who carries and delivers the child should be considered the rightful mother for inheritance purposes, others maintain that maternal lineage should be traced through genetic contribution. The distinction between these perspectives has direct implications for inheritance laws, as a child's ability to inherit from the mother depends on how maternal affiliation is legally defined. In situations where a surrogate mother is used, some legal interpretations favor the traditional approach of linking inheritance rights to the birth mother, while others propose a dual-mother model in which both the genetic and gestational mothers share parental status (Al-Sharbini, 1994). This debate is further complicated when surrogacy agreements involve financial compensation, as opponents argue that such arrangements commercialize human reproduction and disrupt established inheritance norms. Additionally, when donors remain anonymous, children may be deprived of their inheritance rights due to the inability to establish a biological connection to their genetic parents. This reality underscores the need for legislative frameworks that clarify parental responsibilities and inheritance entitlements for children born through artificial reproduction (Sistani, 2016).

Another significant issue in artificial reproduction and inheritance law is the potential application of the Islamic legal doctrine of *lian* (mutual repudiation), which allows a husband to disavow paternity if he suspects that his wife has conceived a child from another man. If a father denies paternity through *lian*, the child loses the right to inherit from him. The emergence of artificial reproductive techniques has led some jurists to question whether this doctrine should apply to cases where a husband consents to his wife's use of donor sperm. While some scholars contend that the husband's consent legitimizes the child's lineage and preserves inheritance rights, others argue that donor-conceived children should be classified as unrelated to the legal father, thereby disqualifying them from inheritance. This division highlights the broader ethical and legal tensions surrounding artificial reproduction in Islamic law, particularly in cases where traditional lineage principles conflict with contemporary reproductive practices (Katouzian, 2019). Furthermore, Islamic inheritance laws prioritize certain categories of heirs, such as immediate family members, and prohibit inheritance by individuals deemed illegitimate. Given that some jurists view children born through third-party reproductive assistance as lacking legitimate lineage, the risk of inheritance exclusion remains a significant concern. Consequently, some legal scholars advocate for reforms that would extend inheritance rights to children born through artificial means, arguing that existing laws should be adapted to reflect advancements in medical technology and shifting societal norms (Maqsoodi & Shafiei, 2017).

The broader implications of artificial reproduction on inheritance extend beyond individual cases and have significant consequences for societal structures and family dynamics. If children born through assisted reproductive technologies are systematically excluded from inheritance, legal disputes and familial conflicts may arise, particularly in cases where assets are substantial. The lack of clear inheritance regulations for children conceived through artificial means may

also discourage prospective parents from utilizing reproductive technologies, thereby impacting population growth and family stability. Moreover, the absence of a consistent legal framework may create disparities in inheritance rights, where some jurisdictions recognize children born through artificial conception as legitimate heirs while others do not. To address these challenges, legal scholars and policymakers have proposed various solutions, including the recognition of *legal parenthood* as the primary basis for inheritance rather than strict biological lineage. By formalizing the inheritance rights of children born through artificial means, legislative bodies can ensure that these children are not unfairly deprived of their legal entitlements while maintaining the integrity of traditional inheritance structures (Shahidi, 2022). Additionally, adopting legal mechanisms such as wills, trusts, and adoption laws may provide alternative avenues for securing the inheritance rights of children born through artificial reproduction, offering a pragmatic approach to bridging the gap between traditional legal principles and contemporary reproductive realities. In conclusion, inheritance laws concerning artificial reproduction present significant legal, ethical, and theological challenges that require careful examination and thoughtful reform. As artificial reproductive technologies continue to evolve, legal systems must adapt to ensure that children born through these methods are granted inheritance rights in a manner that aligns with both ethical principles and social justice. The debates surrounding inheritance in artificial pregnancies reflect broader tensions between traditional legal doctrines and modern reproductive advancements, highlighting the need for flexible and inclusive legal interpretations. Establishing clear and equitable inheritance regulations will not only protect the rights of children born through artificial means but also promote legal certainty and social stability. Moving forward, interdisciplinary collaboration between jurists, ethicists, and policymakers will be essential in developing legal frameworks that balance the preservation of

traditional inheritance laws with the realities of contemporary reproductive practices.

References

- Al-Sharbini, M. A. (1994). *Mughni al-Muhtaj ila Ma'rifah Ma'ani Alfaz al-Minhaj* [The sufficiency of the needy to know the meanings of the words of the curriculum] (Vol. 3). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut.
- Araki, M. A. (1992). *Tazih al-masail* [Explanation of issues]. Islamic Propagation Office, Qom.
- Emami, S. H. (2022). *Civil law* (Vol. 3). Eslamieh, 38th edition, Tehran.
- Ghadiri, I. (2014). Examination of the lineage and inheritance of a child resulting from artificial insemination. In First National Conference on Advocacy, Ethics, Jurisprudence, and Law,
- Haji Azizi, B., & Ghafghazi, S. (2014). Examination of the inheritance status of a fetus resulting from artificial insemination after the death of the sperm owner (father) from a jurisprudential and legal perspective. *Private Law Research*(8), 121-136.
- Ibn Murtadha, A. B. Y. (1989). *Al-Bahr al-Zakhar al-Jami' li-Madhahib 'Ulama al-Amsar* [The abundant sea gathering the opinions of scholars of the regions]. Maktabat al-Khanji, Egypt.
- Jafari Langroudi, M. J. (2014). *Introductory course on civil law (inheritance)*. Ganj Danesh, 3rd edition, Tehran.
- Javadi, M. (1997). *Theories of faith*. Jam'eh al-Mustafa, 1st edition, Qom.
- Katouzian, N. (2010). *Introductory course on civil law (inheritance, will, preemption)*. Mizan, 4th edition, Tehran.
- Katouzian, N. (2019). *Family civil law*. Mizan, 10th edition, Tehran.
- Khamenei, S. A. (2002). *Jawabe al-Istiftā'āt* [Answers to inquiries]. Al-Huda, Tehran.
- Khoei, M. T. (1990). *Mabani fi Sharh al-'Urwah al-Wuthqa (Kitab al-Nikah)* [Foundations in the explanation of the firm bond (Book of Marriage)]. Institute for the Revival of Imam Khoei's Works, Qom.
- Khoei, S. A. Q. (1990). *Minhaj al-Salihin* [The path of the righteous]. Nashr Madinat al-Ilm, Qom.
- Khomeini, S. R. (1999). *Tahrir al-Wasila* [Liberation of the means]. Dar al-Salam, Tehran.
- Kulayni, M. B. Y. (1986). *Al-Kafi* [The sufficient]. Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran.
- Lotfi, A., & Saadat, S. (2011). Legal rulings regarding a child born from a surrogate womb. *Private Law*(19), 169-194.
- Maqsoudi, R., & Shafiei, H. (2017). Donation of embryos and examination of the inheritance of laboratory embryos in Islamic jurisprudence and Iranian law. *Path of Advocacy*, 9(18), 65-91. https://doi.org/10.1163/22112987_01801006
- Mousavi Bojnordi, S. M., & Ahmadi, R. (2017). Examination of the concept of inheritance and its historical foundations in the Islamic legal system with reference to the views of Imam Khomeini (RA). *Matin*, 19(74), 1-24.
- Muhaqqiq al-Hilli, J. B. H. (2008). *Shara'i al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram* [The laws of Islam regarding permissible and forbidden matters]. Ismailian Institute, Qom.
- Muqaddas Ardabili, A. (2001). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan* [The collection of benefits and evidence] (Vol. 1). The Society of Teachers in Qom, Islamic Publishing Institute, 3rd edition.
- Najafi, M. H. (1995). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* [Jewels of speech in explaining the laws of Islam]. Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 6th edition, Tehran.
- Qiblaei Khoei, K. (2002). *Inheritance*. Samt, 2nd edition, Tehran.
- Seyah, A. (2014). *Comprehensive Arabic-Persian dictionary*. Eslamieh Bookstore, 16th edition, Tehran.
- Shahidi, M. (2022). *Inheritance*. Samt, 3rd edition, Tehran.
- Sistani, S. A. (2016). *Tazih al-masail of the references (explanations and additions)*. Office of Ayatollah Sistani, 31st edition, Mashhad.
- Tabatabai, M. S., & Amoui, M. (2012). Inheritance of a child resulting from artificial insemination. *Researches in Jurisprudence and Islamic Law*(27), 55-72.
- Tabatabai, S. A. B. M. (1992). *Riyad al-Masa'il fi Bayani al-Ahkam bil-Dalail* [Gardens of issues in explaining the rulings with evidence]. Eslamieh, 1st edition, Qom.
- Tabatabai, S. M. H., & Mousavi, T. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* [The balance in the interpretation of the Quran]. Islamic Publications Office.
- Yazdi, M. (2021). *Thalath Rasail Fiqhiyyah* [Three jurisprudential letters]. Payam Mahdi, 1st edition, Qom.